

أخبار النساء

في كتاب الأغاني

لأبي الفرج الأصفهاني

٥٣٥٦ - ٩٦٧ هـ

Ummul Beinn - 21-23

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi Kütüphanesi	
Kayıt No. :	10882
Tasnif No. :	928. FE 2. E

جمع وشرح
عبدالمعتمد بن عباد

مؤسسة الكذب التراثية

13 MAYIS 1991

لحفصة^(١): يا بنته أصليحي من شأنها وغيري بدنها^(٢) واصبغي ثوبها، ففعلت. ثم أرسل بها مع نسوة إلى عثمان، فقال عمر لما فارقت: إنها أمانة في عنقي أخشي أن تضيع بيني وبين عثمان، فلحقهن فضرب على عثمان بابه، ثم قال: خذ أهلك بارك الله لك فيهم. فدخلت على عثمان، فأقام عندها مقاماً طويلاً لا يخرج إلى حاجة. فدخل عليه سعيد بن العاص^(٣) فقال له: يا أبا عبد الله، لقد أقيمت عند هذه الدوسية مقاماً ما كنت تقيمه عند النساء. فقال: أما إنه ما بقيت خصلة كنت أحب أن تكون في امرأة إلا صادفتها فيها ما خلا خصلة واحدة. قال: وما هي؟ قال: إني رجل قد دخلت في السن، وحاجتي في النساء الولد، وأحسبها حديثاً لا ولد فيها اليوم. قال: فتبسمت. فلما خرج سعيد من عنده قال لها عثمان: ما أضحكك؟ قالت: قد سمعت قولك في الولد، وإني لمن نسوة ما دخلت امرأة منهن على سيد قط فأت حمران^(٤) حتى تلد سيد من هومنه. قال: فما رأيت حمران حتى ولدت عمرو بن عثمان. وأم عمرو بن عمرو بن عثمان أم ولد. وأم العرجي^(٥) أمة بنت عمر بن عثمان، وقال إسحاق: بنت سعيد بن عثمان، وهي لأم ولد.

أم البنين بنت عبد العزيز بن مروان*

كان وضاح^(٦) قد شبب بأم البنين بنت عبد العزيز بن مروان امرأة الوليد بن عبد الملك، وهي أم ابنه عبد العزيز بن الوليد، والشرف فيهم. فبلغ الوليد تشببه بها فأمر بطلبه فأتى به،

(١) حفصة: هي بنت عمر بن الخطاب، من أزواج النبي ﷺ روى لها البخاري ومسلم ستين حديثاً وتوفيت سنة ٤٥ هـ.

(٢) البدن: الثوب الداخلي القصير تلبسه المرأة.

(٣) سعيد بن العاص: صحابي من الأمراء الولاة الفاتحين. ربي في حجر عمر بن الخطاب توفي سنة ٥٩ هـ.

(٤) رأيت حمران: كناية عن الحيض.

(٥) العرجي: هو عبد الله بن عمرو بن عمرو بن عثمان بن عفان... وأم عفان أمة بنت عبد المزي. وأم عثمان أروى بنت كريب بن ربيعة. وأمها البيضاء أم حكيم بنت عبد المطلب بن هاشم. وهي أخت عبد الله بن عبد المطلب أبي رسول الله ﷺ لأمه [وأبيه] ولدا في بطن واحد. وأم عمرو بن عثمان أم أبان بنت جندب الدوسية [راجع الأغاني ج ١ ص ٣٦٩].

(*) راجع أخبار وضاح اليمن في الأغاني ج ٦ ص ٢٢٢.

(٦) وضاح: هو وضاح اليمن، عبد الرحمن بن إسماعيل بن عبد كلال: شاعر، رقيق الغزل، جميل الطلعة توفي نحو سنة ٩٠ هـ.

هو ي أبو العباس الأعمى امرأة ذات بعل، فراسلها، فأعلمت زوجها، فقال: اطمعيه طمعيته. ثم قال: إرسلي إليه فليأتك. فأرسلت إليه. فأتاها. وجلس زوجها إلى جانبها، نال لها أبو العباس: إنك قد وُصفت لنا وما نراك، فألمسينا. [أي دعينا نلمسك] فأخذت يده وضعتها على أير زوجها، فنفر، وعلم أن قد كيد^(١)، فنهض من عندها وقال الأبيات السابقة، وفيها أن اسم المرأة مليكة بدل أمامة]

أم أبان

... عن جد محرز بن جعفر قال:

قديم جندب بن عمرو بن حممة الدوسي المدينة مهاجراً في خلافة عمر بن الخطاب، مضى إلى الشام وخلف أبنته أم أبان عند عمر، وقال له: يا أمير المؤمنين، إن وجدت لها متاً فزوجها بها ولو بشرارك^(٢) نعليه، وإلا فأمسكها حتى تلحقها بدار قومها بالسراة^(٣). فكانت يد عمر، وأسشهد أبوها، فكانت تدعو عمر أبها ويدعوها أبنته. قال: فإن عمر على المنبر ما يكلم الناس في بعض الأمر إذ خطر على قلبه ذكرها، فقال: من له في الجميلة الحسية جندب بن عمرو بن حممة، وليعلم أمرؤ من هو! فقام عثمان فقال: أنا يا أمير المؤمنين، إن أنت لعمر الله! كم سقت إليها^(٤)؟ قال: كذا وكذا. قال: قد زوجتكها، فعجله فإنها ندة. قال: ونزل عن المنبر، فجاء عثمان رضي الله عنه بمهرها، فأخذه عمر في رذنه^(٥) خبل به عليها، فقال: يا بنية، مدي ججرك، ففتحت حجرها، فألقى فيه المال، ثم قال: يا بية، قولني آللهم بارك لي فيه. فقالت: اللهم بارك لي فيه، وما هذا يا أبتاه؟ قال: مهرك. فتحت^(٦) به وقالت: وأسواتاه! فقال: آحتسي منه لنفسك ووسعي منه لأهلك، وقال

(١) كيد: احتيل عليه.

(٢) راجع الأغاني ج ١ ص ٣٦٩ وما بعدها.

(٣) ولو بشرارك نعله: أي ولو بالقليل القليل، وشراك النعل: سيرها على ظهر القدم.

(٤) السراة: اسم موضع.

(٥) يسأله عن مهرها.

(٦) الرذن: الكرم.

(٧) فتحت به: رمته.

دائرة المعارف بزرگ اسلامی، جلد هفتم، تهران، ۱۳۸۰

ام البنین

۱۸۶

مقاتل الطالبین، به کوشش احمد صقر، قاهره، ۱۳۶۸ق/۱۹۴۹م؛ حسون، محمد و ام علی مشکور، اعلام النساء المؤمنات، تهران، ۱۴۱۱ق؛ طبری، تاریخ، غفاری، حسن، تعلیقات بر مقتل الحسین ابو مخنف، قم، ۱۳۶۴ش؛ محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعة، تهران، ۱۳۶۴ش؛ موسوی مرقم، عبدالرزاق، قمر بنی هاشم، نجف، ۱۳۶۹ق/۱۹۵۰م.
حسن یوسفی اشکوری

ام البنین در فرهنگ عامه: حضرت فاطمه ام البنین - که نزد عامه مردم ایران به مادر حضرت عباس شناخته شده، و به «ام البنی» معروف است - در میان زنان مسلمان شیعه پایگاه قدسی و منزلت والایی دارد. زنان ایرانی برای این بانوی بزرگوار ارزش نمادی ویژه ای قائلند و برای برآورده شدن آرزوها و حاجتها و سامان گرفتن کارها و بالا بردن نیروی شکیبایی خود در تحمل مصایب و رنجها به او توسل می جویند.

توسل جویی: قرنهایست که زنان شیعه برای دور کردن بلا و نعمتی و دست یافتن به خواسته و نعمتی به این خاتون بزرگوار توسل می جویند و از او طلب یاری و مرادخواهی می کنند. توسل به ام البنین معمولاً از طریق نذر (ه م) و دادن نذریهایی مانند انداختن سفره نذری (ه م)، پختن آش و حلوائ نذری، و خیر کردن خرما در راه خدا و به نام او صورت می پذیرد. مردم با برگذاری اینگونه مراسم و شعایر دینی معتقدند که می توانند ارواح مقدسان را به یاری بطلبند و با کمک آنها تنگیها و مصایب زندگی را از میان بردارند. این مراسم و شعایر یک واقعیت اجتماعی است و بخشی از حیات دینی و زندگی معنوی مردم مسلمان در جامعه های سنتی را شکل می دهد و کارکردی روانی - اجتماعی در انسجام نظام زندگی و پاسخ گویی به خواستها و انتظارات عاطفی برگذارکنندگان مراسم دارد.

در اهدای نذری به ام البنین، یا هر شخصیت مقدس دیگر، عقیده و عمل صاحب نذر، و اسباب و مواد نذری نقشی مهم و اساسی میان نذر دهنده و نذر گیرنده دارد. وضع و حالت احساسی و معنوی و قصد و نیت خالص و پاک نذر دهنده، پاکیزه و حلال بودن اسباب و خوراکیهای نذری، ادعیه و اوراد مخصوص آیینهای نذری و توسل، و کامل و دقیق انجام دادن اعمال مربوط به مراسم و شعایر نذر و نیاز، صاحبان نذر را در نزدیکی به مقدسان و رسیدن به آرمانها و آرزوهایشان کمک می کند. سفره ام البنین: این سفره در میان مردم برخی از شهرها و آبادیهای ایران به «سفره مادر حضرت ابوالفضل» یا «سفره مادر حضرت عباس» نیز شهرت دارد. سفره ای به نام «بی بی سه شنبه» را نیز در جاهایی، مانند خراسان (شکورزاده، ۲۸) به حضرت فاطمه ام البنین، و در جاهایی دیگر مانند شاهرود (شریعت زاده، ۳۹۰/۲-۳۹۴) به حضرت فاطمه زهرا (ع) نسبت داده اند و به نام آن دو بی بی «سفره ام البنی» و «سفره حضرت فاطمه» نامیده اند.

در پندار عامه، بی بی سه شنبه زنی نیکوکار بوده که در روز سه شنبه زاده شده، و سه شنبه ازدواج کرده، و سه شنبه نیز مرده است (اسدیان، ۲۰۰؛ شکورزاده، ۴۰). شاید منسوب کردن سفره های حضرت فاطمه زهرا و فاطمه ام البنین به بی بی سه شنبه، به این سبب بوده است که در

سرزمین و مردم اندونزی، ترجمه پرویز داریوش، تهران، ۱۳۵۰ش؛ اندونزی گذشته و آینده، سفارت جمهوری اندونزی، تهران؛ ریکلس، م. ک.، تاریخ اندونزی در قرون معاصر، ترجمه عبدالعظیم هاشمی نیک، وزارت امور خارجه، تهران؛ شهاب، محمداسد، صفحات من تاریخ اندونسیا المعاصرة، بیروت، ۱۳۹۱ق/۱۹۷۱م؛ نیز:

Asiatica; Britannica; Caldwell, M., Indonesia, Oxford, 1968; Collier's Encyclopedia, London, 1986; EI²; Enciclopedia Italiana; Hall, D.G.E., A History of South-East Asia, London, 1964; Hardjono, J., Indonesia Land and People, Djakarta, 1971; Indonesia 1985, Department of Information, Republic of Indonesia; Sarkar, H.B., Cultural Relations Between India and South-East Asian Countries, 1985.

پرویز امین

ام البنین، فاطمه بنت حزام، همسر دوم امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع). پدرش ابوالمجل حزام بن خالد، از قبیله بنی کلاب (طبری، ۱۵۳/۵) و مادرش لیلی یا تمامه دختر سهیل بن عامر بن مالک بود (نک: ابن عنبه، ۳۵۶؛ غفاری، ۱۷۴).

آورده اند که پس از وفات حضرت فاطمه (ع) در ۱۱ق، امام علی (ع) با برادرش عقیل که در نسب شناسی عرب شهره بود، درباره انتخاب همسری که اصیل باشد و فرزندان دلیر و جنگاور بیاورد، مشورت کرد و عقیل، فاطمه دختر حزام بن خالد را پیشنهاد کرد و گفت در میان عرب دلیرتر از مردان بنی کلاب دیده نشده اند و علی (ع) با وی ازدواج کرد (ابن عنبه، ۳۵۷). نتیجه این ازدواج ۴ پسر بود به نامهای عباس، عبدالله، جعفر و عثمان. این ۴ تن به شجاعت و دلیری مشهور بودند و از این رو فاطمه را ام البنین [= مادر پسران] نامیدند. خود او در یکی از اشعارش به این نکته اشاره دارد. این ۴ تن در کربلا در کنار برادر و پیشوای خود امام حسین بن علی (ع) به شهادت رسیدند (ابوالفرج، ۸۲-۸۴؛ ابن عنبه، ۳۵۶؛ حسون، ۴۹۶).

ام البنین در واقعه کربلا حضور نداشت، اما هنگامی که کاروان سفر کربلا وارد مدینه می شد، کسی خواست خبر شهادت فرزندان را به او بدهد و او گفت از حسین (ع) برایم بگویند، چون شنید که ۴ فرزندش همراه حسین (ع) کشته شده اند، گفت: ای کاش فرزندانم و تمامی آنچه در زمین است فدای حسین می شد و او زنده می ماند. این سخن او را دلیل اخلاص کامل او به اهل بیت و امام حسین (ع) دانسته اند (همو، ۴۹۶-۴۹۷؛ محلاتی، ۲۹۳/۳). آورده اند که زینب (ع) پس از ورود به مدینه به دیدار ام البنین رفت و شهادت فرزندان او را به وی تعزیت گفت (موسوی، ۱۶)، و این از منزلت بلند ام البنین حکایت دارد. از آن پس ام البنین هر روز با نوه اش عبیدالله (فرزند عباس) به گورستان بقیع می رفت و در آنجا اشعاری که خود سروده بود، می خواند و دردمندانه می نالید و می گریست. مردمان بر او گرد می آمدند و با او در گریستن همنوا می شدند. حتی گفته اند مروان بن حکم نیز می آمد و در آنجا می گریست (ابوالفرج، ۸۵). او را ادیب و شاعری فصیح و اهل فضل و دانش دانسته اند (حسون، همانجا). سال مرگ او دانسته نیست. چنانکه از تاریخ تولد او نیز اطلاعی نداریم.

مآخذ: ابن عنبه، احمد، عمدة الطالب، نجف، ۱۳۸۱ق/۱۹۶۱م؛ ابوالفرج اصفهانی.

107 MART 2008

ربانی خلخالی، علی (۱۳۲۵ -)

۵۱۸۹-ام البنین النجم الساطع

فی مدینة النبی الامین، ترجمه سید علی

جمال اشرف، قم: دارالکتاب اسلامی، چاپ اول، ۲۰۰۳م/

۱۵۰۰ نسخه، ۳۸۰ص، عربی، وزیرى (کالینگور).

شابک: X-۵۹-۴۶۵-۹۶۴

کنگره: BP۵۲/۲/A۷۵/۲۲

دیوی: ۲۹۷/۹۷۹ Ummit Benim

کد پارسا: B۶۶۴۷۴

کتاب عنوان اصلی ذکر نشده است.

زندگی نامه ام البنین؛ فضائل امام علی (ع)

(پیامبر و اهل بیت)؛ فضائل عباس (س)

تاریخ زندگی و فضایل حضرت ام البنین است. نویسنده طی نوزده فصل، نخست از نسب و ولادت و زندگی ام البنین بحث کرده و سپس به بیان ویژگیهای زنان نمونه و نقش قانون وراثت در کسب این اوصاف پرداخته است. وی با بیان پاره‌ای از فضایل علی (ع) به خصوصیات ام البنین اشاره کرده و نتیجه گرفته که ام البنین دارای مناقب و شخصیتی والا بوده که شایستگی همسری آن حضرت را پیدا کرده است. این مناقب بویژه با رشادت و شهادت حضرت عباس در عاشورا و صبر و شکیبایی ام البنین عینیت یافت. برخی دیگر از عناوین مورد بحث در کتاب بدین قرار است: توسل به ام البنین، کرامات او، زنان نمونه، فرزندان ام البنین، اشعار در مدح و مرثیه ام البنین، مکانهای متبرکه مدینه و برخی از جنایتهای وهابیان.

احمد خليل جمعة ، نساء من عصر التابعين ، الجزء الثاني ،
دمشق ١٤١٢ / ١٩٩٢ . ص . ١٥٥ - ١٧٠ . DIA KTP. 21057-2 .

Ummi't Basen

01. JEMMUZ 1997

(١١)

أم البنين بنت عبد العزيز

• أخت عمر بن عبد العزيز ، عابدة ، فقيهة ، تالية للقرآن الكريم ،
سخية ، لها رأي نافذ وحكمة بالغة .